

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا





نظام مدیریت فرهنگی

در شهر اسلامی - ایرانی

(بر پایه مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی)



سرشناسه: جهانبخش، حیدر، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: نظام مدیریت فرهنگی در شهر اسلامی - ایرانی (بر پایه مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی) / تألیف حیدر جهان بخش، سیدجواد هاشمی فشارکی، علی دل زنده؛ [به سفارش مرکز خدمات تخصصی هنر و معماری جهاد دانشگاهی قزوین].  
مشخصات نشر: قزوین: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات، واحد قزوین، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۰۲ ص.؛ مصور، جدول؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۲۴۰۰۰۰ ریال ۳-۷۳-۸۷۸۶-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: چکیده اثر به زبان انگلیسی در انتهای کتاب آورده شده است.

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Heidar Jahanbakhsh, Seyyed Javad Hashemi, Fesharaki, Ali Delzende. The explanation of cultural engineering and connection in modeling Iranian - Islamic City (Modeling the technique of designing cultural - residential City).

یادداشت: کتاب حاضر با حمایت انجمن علمی معماری و شهرسازی اسلامی، مرکز مطالعات شهرسازی و معماری اسلامی ژرفا، حوزه هنری مرکز معماری اسلامی، مرکز تخصصی هنر و معماری جهاد دانشگاهی، قطب علمی معماری اسلامی، انتشارات جهاد دانشگاهی قزوین منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۷ - ۹۱.

موضوع: مدیریت فرهنگی -- ایران

موضوع: Cultural animation -- Iran

موضوع: شهرسازی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: City planning -- Religious aspects -- Islam

شناسه افزوده: هاشمی فشارکی، سیدجواد، ۱۳۴۰ -

شناسه افزوده: دل زنده، علی، ۱۳۶۷ -

شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی. واحد قزوین. مرکز خدمات تخصصی هنر و معماری

شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی. سازمان انتشارات. واحد قزوین

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ن ۹ ج ۶۲۱/ HM

رده بندی دیویی: ۳۰۶/۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۶۴۱۶۱

## نظام مدیریت فرهنگی

### در شهر اسلامی - ایرانی

(بر پایه مبانی نظری و فرآیند فکری

سازنده شهر اسلامی)

### تألیف:

#### حیدر جهان بخش

#### سیدجواد هاشمی فشارکی

#### علی دل زنده

مدیر هنری و طراح جلد:

محمد رازقی

صفحه آرایی: مرضیه حمیدی زاده

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۲۷۰۰۰۰ ریال

مصوبه شورای شعبه انتشارات

جهاد دانشگاهی قزوین

انتشارات جهاد دانشگاهی واحد قزوین

کلیه حقوق محفوظ است

**حیدر جهان بخش**  
عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

**سید جواد هاشمی فشارکی**  
مدرس دانشگاه

**علی دل زنده**  
پژوهشگر دوره دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی و  
عضو جهاد دانشگاهی قزوین

# نظام مدیریت فرهنگی در شهر اسلامی - ایرانی

(بر پایه مبانی نظری و فرآیند فکری سازنده شهر اسلامی)



انتشارات  
جهاد دانشگاهی  
قزوین



قطب علمی  
معماری  
اسلامی



مرکز تخصصی  
هنر و معماری  
جهاد دانشگاهی



حوزه هنری  
مرکز معماری  
اسلامی



مرکز مطالعات  
شهرسازی و معماری  
اسلامی زرنا



انجمن علمی  
معماری و شهرسازی  
اسلامی

۱	پیشگفتار
۳	تقریظ
۷	<b>فصل اول: معرفی و ساختار پژوهش</b>
۸	۱-۱- بیان موضوع، ضرورت‌ها و تبیین مسأله
۹	۲-۱- روند پژوهش
۱۳	۳-۱- پیشینه‌ی تحقیق
۱۵	<b>فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوع</b>
۱۵	۱-۲- فرآیند ظهور پدیده‌های انسانی
۴۱	۲-۲- فرآیند ظهور شهراسلامی و ساختار آن
۴۳	۳-۲- میانی شهراسلامی
۴۳	۴-۲- اوصاف شهراسلامی
۴۴	۵-۲- اجزاء و ارکان شهراسلامی
۴۹	<b>فصل سوم: فرهنگ و فرآیند راهبردهای آن در نظام شهرسازی اسلامی</b>
۴۹	۱-۳- فرهنگ و شهراسلامی
۵۲	۲-۳- روش راهبردهای فرهنگی شهراسلامی
۵۴	۳-۳- اصول راهبردهای فرهنگی شهراسلامی
۵۸	۴-۳- مدل‌سازی راهبرد فرهنگی
۶۵	<b>فصل چهارم: نظام فرهنگی شهر اسلامی- ایرانی</b>
۷۷	فهرست منابع

## پیشگفتار

گسست فرهنگی و نفوذ مؤلفه‌های غیریومی به پیکره‌ی شهرهای ایرانی در دهه‌های اخیر و ضعف در آموزه‌های دینی در نظام آموزشی و اجرایی به نبود راه مشخص، الگوی توسعه و پیشرفت باز می‌گردد. با پیروزی انقلاب اسلامی بازگشت به مبانی اسلامی، توجه به کرامات انسانی و اتکاء به فکر و ابتکار ایرانی بار دیگر مورد توجه قرار گرفته. تدوین نقشه‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی مقام معظم رهبری موجب شده حیات دینی و طراحی فرهنگ منسجم اسلامی دستور کار متخصصین در حوزه‌های مختلف از جمله شهرسازی قرار گیرد.

در این راه آن چه اهمیت دارد، روش پیاده‌سازی نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی متناسب با دستور زبان خاص آن حوزه و تدوین مدلی کارآمد در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کلی نظام ارزشی حاکم است. به گونه‌ای

که بتوان الگویی نظری و عملیاتی از شهر اسلامی- ایرانی متناسب با مهندسی فرهنگی اهداف انقلاب اسلامی ارائه نمود.

این تحقیق از یک سو بنیادی با هدف توسعه‌ی دانش و مبانی و از سوی دیگر کاربردی به منظور توسعه‌ی راهکارها و راه‌حل‌ها است. در این تحقیق با روشی نظری و عملیاتی با رویکرد توصیفی، تحلیلی و کیفی و از روش استدلال منطقی بر پایه‌ی منابع کلام الهی و معصومین و استنباط عقلی به ارائه‌ی مدلی مفهومی و عملیاتی از مبانی سازنده‌ی شهر اسلامی، مدل اجرایی راهبرد فرهنگی با تبیین پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی نظام حاکم در ساختار شهر اسلامی و ارائه‌ی الگوی پیشنهادی از شهر اسلامی با بستری فرهنگی و ارزشی پرداخته شده است.

بر مبنای استدلال‌های صورت گرفته، راهبرد سامانه‌های فرهنگی به عنوان مدل اجرایی راهبرد فرهنگی نظام اسلامی با دو اصل مهندسی فرهنگی و پیوست فرهنگی ارائه گردیده است. این مدل، برشی از مبانی سازنده‌ی هویت شهر اسلامی در سطح راهبردهای فرهنگی با هویتی سیستمی و سامانه‌ای است که دو قطب درونی (اصول راهبردی) و بیرونی (نظام راهبردی) لایه‌ی فرهنگی شهر اسلامی را با ارائه‌ی راهکار مفهومی و کاربردی به سمت اهداف شکل‌گیری شهر اسلامی هدایت می‌نماید. در نهایت، بر پایه‌ی بنیان‌های نظری و استدلال‌های مطرح شده، ساختاری مرکزی از شهر نوین اسلامی با نظام شبکه‌ی فرهنگی از شهر اسلامی مدل‌سازی عملیاتی گردیده است.



## تقریظ

طرح مباحث نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی از جمله آثار هنری و معماری و شهرسازی، از مهم‌ترین مسائل در تحقق تمدن نوین اسلامی بعد از پیروزی انقلاب است.

اگر به تعارض بنیانی و عمیق فرهنگ لیبرال سرمایه‌داری غرب و لاجرم تمدن برآمده از آن با فرهنگ الهی اسلام قائل هستیم، راهی جز تبیین همه جانبه فرهنگ اسلامی با فرآیندهای انسانی به عنوان مقدمه‌ای برای تحقق تمدن برآمده از آن باقی نمی‌ماند.

در نظریه‌ای که اینجانب با عنوان **(نسبت اسلام با فرآیندهای انسانی)** در کرسی‌های نظریه‌پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نموده و به داوری و تأیید رسیده است. با ارائه مدلی از ساختار و مراحل پنج‌گانه در فرآیندهای انسانی، اثبات می‌نمایم که در سه مرحله آغازین آن مکتب

اسلام، منابع و مبانی اساسی، خطا ناپذیر و جامع و مانعی را به صورت کامل ارائه نموده است.

در مرحله اول (راهبردهای مفهومی) مبتنی بر اعتقادات اسلامی و تبیین و تشریح عالم و آدم و استعداد های بالقوه و بالفعل او یعنی (هست و نیست ها)، در مرحله دوم (راه کارهای عملی) مبنی بر احکام پنج گانه اسلامی و گزاره های (حلال و حرام، مستحب و مکروه و مباح) یعنی (باید و نباید ها) و در مرحله سوم (راه حل های اجرایی) و روش و شیوه اجرایی آثار مبتنی بر اصول (ده گانه در اجتهاد اسلامی)، یعنی (سبک اجرایی در خلق آثار) ارائه نموده است که از آنها پیامبر اکرم (ص) به عنوان علوم مفید یاد می نمایند.<sup>۱</sup> مرحله چهارم مربوط به (اجتهاد متخصصین)<sup>۲</sup> هر رشته است در خلق آثار و در مرحله پنجم (تأثیرات آثار بر مخاطبین) می باشد.

بنابر این نظریه و با بدیهیات اسلامی، اثبات می شود که مکتب اسلام نه تنها نسبت به فرآیندهای انسانی بی نظر و بی تفاوت نیست، بلکه در سه مرحله از پنج مرحله آن مستقیماً و در دو مرحله بعد نسبت به افکار و آثار انسانی به صورت غیر مستقیم، و معیارهائی را مطرح نموده است که میتوان از طریق آنها به صورت نسبی آثاری در طراز فرهنگ اسلامی و ایجاد تمدن مطلوب اسلامی، گام های مؤثری برداشت و در عین حال از طریق آن اصول و معیارها، کلیه آثار انسانی را مورد نقد و ارزیابی و عبرت آموزی قرار داد.

با گذشت حدود چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، متأسفانه هنوز اقدام اساسی و بنیانی در حوزه تحول و ارتقاء علوم انسانی از جمله مباحث میان دانشی، نظیر آثار هنری و معماری و شهرسازی در اصلاح سرفصل و محتوای دروس دانشگاه ها بر داشته نشده است

نکته بارز و اساسی، تفاوت و تعارض دو دیدگاه اسلامی و

۱- قَالَ النَّبِيُّ ص إِمَّا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُّحَكَّمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ . پیغمبر (ص) فرمود: همانا علم سه چیز است: آیه محکم، فریضه عادل، سنت پابرجا، و غیر از این فضل است. (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۳۷ روایه: ۱)

۲- امام صادق فرمودند: عَلَيْنَا إِيْقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ «بر ماست ارائه اصول (راهبردهای نظری و عملی) و بر شماست اجتهاد فروع یعنی (خلق آثار مادی و صوری) (بحار الأنوار ج ۲، ۲۴۵)

غربی در نوع نگرش به انسان در فرهنگ (اومانیستی) غرب و (حیوان‌پنداری او) در حوزه سیاست و دیدگاه (لیبرالیسم) و آزادی نفس اماره و هواپرستی انسان یعنی (آزادی حد اکثری هواهای نفسانی انسان) در حوزه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و دیدگاه (سرمایه‌داری آزاد) و حاکمیت زراندوزان و دنیا پرستان در حوزه اقتصاد و در مجموع حاکمیت (زر و زور و تزویر) بر جوامع انسانی است.

در صورتیکه در فرهنگ اسلامی، انسان غیر از ابعاد حیوانی، دارای بعد الهی و عقلانی و روحانی است (نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي)<sup>۱</sup> و آزادی انسان بین دو جبر بیرونی ناشی از مشیت و (قضا و قدر الهی) و دو جبر درونی ناشی از مقابله دو نفس عقلانی (لواّمه) و نفس حیوانی (امّاره) می‌باشد.

تأثیرات این دو فرهنگ و تفاوت‌های بارز آنها بر (بینش‌ها، انگیزه‌ها و راه‌حل‌ها) در کلیه رشته‌ها و حوزه‌های تخصصی به خصوص مباحث زیبایی‌شناسی، فلسفه هنر و خلق آثار معماری و شهرسازی بسیار اساسی و بنیادی است.

البته نقطه مشترک این دو فرهنگ در حوزه مجموع دستاوردهای علوم تجربی است، که از منظر اسلامی تا نقض نشده است به عنوان (علوم بشری) و (علوم عرفی) و (علوم ظنی و احتمالی) در قالب استانداردها در معماری و سرانه‌ها در شهرسازی با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی باید رعایت و بهره‌برداری شود. البته به قول آیت الله جوادی آملی، علوم تجربی موجود نیز ناقص است، زیرا از ابعاد علت‌های (مادی و صوری) پدیده‌ها صحبت می‌کند ولی از علت‌های (فاعلی و غائی) آنها غافل است و بحث نمی‌نماید و متأسفانه (خلقت) را (طبیعت) می‌پندارد.

علاوه بر فرهنگ غنی و الهی اسلام در حوزه فرآیندهای انسانی، تمدن و آثار هنری دوران اسلامی ایران نیز، به صورت

۱- فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (پس آن‌گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم بر او به سجده در افتید.)

نسبی واجد ارزش‌ها، زیبایی‌ها و تجربیاتی است بی‌بدیل، قابل بهره‌برداری، عبرت‌آموزی و الهام از اصول و راهبردهای فرازمانی و فرامکانی آن.

در مجموع در دوران گزار از فرهنگ غربی و غرب زده معاصر ایران و جهان، باید از تلاشهای مجدانه فرهنگ پژوهان مسلمان و در حوزه‌های مختلف تخصصی قدردانی و سپاسگزاری نمود و با ارزیابی و تحلیل عمیق و نقد منصفانه دستاوردهای آنها، تعامل، هم‌اندیشی و هم‌افزایی روز افزونی ابتدا بین اندیشمندان و هنرمندان مسلمان و سپس در عرصه نبرد تاریخ ساز فرهنگها و تمدنها، حقوق مصادره شده فرهنگ و تمدن اسلامی را از مستکبرین خود خواه و خود بنیاد جهان باز ستاند و در تحقق فرهنگ و تمدنی در طراز انسان خداجوی (حي متأله) و بستر سازی سیر متعالی انسان، جهادی انقلابی و جهانی را سامان بخشید.

به سهم خود از همه اندیشمندان و متخصصینی که در جهت تبیین فرهنگ اسلامی و تلاش در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی گام برداشته و بر میدارند از جمله محققین عزیز و مجاهد این رساله، سپاسگزاری و قدردانی مینمایم. اطمینان خاطر دارم که آینده متعالی، متعلق به آنها و همه کسانی است که در خدمت حیات طیبه انسانی و تمدن مطلوب و جهانی آن مجاهده می‌نمایند.

با آرزوی توفیق و تأیید الهی برای همه عزیزان .

**عبدالحمید نقره‌کار**

**ریاست مرکز تحقیقات و قطب علمی معماری**

## فصل اول

### معرفی و ساختار پژوهش

شهر از لایه‌های مفهومی مختلفی تشکیل شده است. در بعد نظری مبانی، ارکان و نظام سازمان‌دهنده‌ای آن را می‌سازد تا در بعد عمل شهرساخته شده، شهر انسان متعالی باشد. انسان بخش قابل توجهی از زندگی خود را در شهر می‌گذراند و محیط شهر بر زندگی او تاثیرگذار است. شهر ساخت شده می‌بایست دارای صفاتی باشد که با ابعاد وجودی انسان و نیازهای او تطبیق یابد.

در بحث پیش‌رو به جاری کردن فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه و اداره‌ی زندگی بر پایه‌ی اصول اسلامی پرداخته و پس از آن با ارائه شاخص‌ها و ضوابط مهندسی فرهنگی شهر اسلامی به دنبال یافتن راه‌حل‌های کاربردی در شهر معاصر است.

## ۱-۱- بیان موضوع، ضرورت‌ها و تبیین مسأله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره یکی از اصلی‌ترین اهداف حوزه فرهنگی - اجتماعی بوده است. در این ساختار جاری کردن فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه و اداره‌ی زندگی بر پایه‌ی اصول اسلامی از اصلی‌ترین سیاست‌گذاری‌های فرهنگی از سوی رهبرانقلاب بوده است.

به منظور اجرایی شدن این اهداف، مهندسی فرهنگی به عنوان اصلی‌ترین راهبرد مدیریت فرهنگی در طرح الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مطرح گردیده است. در این راهبرد پیوست فرهنگی در راستای مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی روشی برای عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در فضای عمل اجتماع است (رضایی ۱۳۹۱). هدف، دستیابی به مدلی واقع‌گرا، جامع‌نگر و آینده‌نگر است که در نتیجه‌ی آن بتوان به مدیریت و مهندسی حوزه‌های مختلف جامعه (ابراهیم‌پور و مصطفوی ۱۳۸۷، ۸۸) از جمله معماری و شهرسازی پرداخت.

در این جا با فرض آشنایی متخصصان با نظام مدیریت فرهنگی کشور و مشخص بودن تعاریف و مفاهیم و اصول کلی آن از جمله مباحث مهندسی فرهنگی و پیوست‌نگاری فرهنگی درصدد است، تا جایگاه مفاهیم را بر مبنای تعاریف آن در ساختار نظری شهر اسلامی بیان نماید. به همین منظور در پژوهش حاضر، تلاش شده است با استفاده از مفاهیم و الگوی مفهومی ارائه شده در شکل‌گیری مبانی سازنده‌ی شهر اسلامی، الگویی عملیاتی در سطح مدیریت فرهنگی جامعه در حوزه‌ی شهرسازی اسلامی- ایرانی ارائه شود.

بنابراین تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به سوالات زیر است؟

- ۱) نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی با چه روشی می‌تواند در ساختار شهر اسلامی عملیاتی شود؟

۲) مفاهیمی چون مهندسی فرهنگی یا پیوست فرهنگی در کدام لایه از لایه‌های مبانی سازنده شهر اسلامی قرار می‌گیرد؟

۳) طراح چگونه می‌تواند این نظام مدیریتی را در نظام فکری خود منسجم نماید؟ (روش عملیاتی بهره‌گیری از مفاهیم نظام مدیریت فرهنگی و راهکار پیوست فرهنگی در فرایند طراحی شهر اسلامی چگونه پیاده‌سازی شده و تحقق می‌یابد؟)

در نهایت به عنوان یک نمونه و روش اجرایی این الگوی راهبردی، روش پیوست فرهنگی در سازوکار مدیریت فرهنگی و مهندسی فرهنگی در سطح عملیاتی، مهندسی فرهنگی ساختار شهر اسلامی - ایرانی را به عنوان نمونه‌ای از روش طراحی شهری بر پایه‌ی شبکه‌ی فرهنگی معرفی می‌گردد؛ تا شهرسازی اسلامی به عنوان تجلی مبانی و اصول اسلام و مکان تعلیمات اسلامی همواره به ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی اسلام توجه کرده و همواره در جهت کارایی و پاسخ‌گویی بیش‌تر به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه قدم بردارد.

## ۱-۲- روند پژوهش

در این نوشتار بر اساس مفروضات اصلی، حکمت نظری و عملی اسلامی و آموزه‌های دین مبین اسلام، لازم است ابتدا با بررسی تعاریف و مفاهیم موجود از شهر اسلامی - ایرانی (اوصاف، ارکان، اجزاء و مبانی سازنده‌ی آن) ساختار و فرآیند شکل‌گیری شهر اسلامی تبیین شود. سپس با تجزیه مراحل آن، لایه‌های سازنده شهر بررسی، تشریح می‌شود و براساس محتوا و مبانی آن از یکدیگر تفکیک می‌گردد تا از مغالطه‌های معمول و پیش‌فرض‌های مربوطه جلوگیری نماید.

سپس با شناسایی لایه فرهنگی شکل دهنده شهر اسلامی و مراحل آن، فرهنگ، پیوست فرهنگی، مهندسی فرهنگی، از دیدگاه نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی شناسایی و با بررسی ارتباط شکلی و ماهوی آن‌ها با یکدیگر و بر پایه‌ی اطلاعات گردآوری شده از طریق منابع کتابخانه‌ای، مطالعات و پژوهش‌های موجود و پایگاه‌های اطلاعاتی و نیز تجزیه، تحلیل و ترکیب آن، مدل راهبردی سازی فرهنگی در لایه فرهنگی شهر اسلامی به‌عنوان چهارچوبی برای فرآیند طراحی شهری (ساختار نظام فکری طراح) تبیین می‌شود. بر این اساس مبانی الگوساز شهر اسلامی - ایرانی (مدل نظری: شامل مولفه‌ها، شاخص‌ها و نظام سازنده‌ی شهر) طرح‌ریزی می‌گردد.

درنهایت با شاخص‌هایی که از روش پیوست فرهنگی براساس آموزه‌های الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری بیان گردیده است، در چارچوب ظرفیت این نوشتار در سطح عملیاتی ساختار شهر اسلامی - ایرانی بر پایه‌ی الگوی شبکه‌ی فرهنگی شهر، مهندسی فرهنگی می‌گردد. در این روش با میسر شدن مبانی نظری طراحی شهر اسلامی - ایرانی و تدوین بحث مهندسی فرهنگی در سطح راهبردی آن، نظام کالبدی سازنده‌ی شهر اسلامی - ایرانی به عنوان راهکار ارائه می‌شود.

در نمودار (۱) روند پژوهش و در جدول (۱) شالوده، هدف، ضرورت، رویکرد، موضوع، فرضیه، مدل نگارش و دستاوردهای پژوهش ارائه گردیده است.



شناسایی مبانی نظری و علمی



شناسایی ساختار و مراحل شکل‌گیری شهراسلامی



شناسایی فرهنگ و فرایند راهبرده سازی آن



تبیین مدل راهبرده سازی فرهنگی در نظام فکری فرایند  
طراحی شهری



نتیجه‌گیری و ارائه الگوی عملیاتی

نمودار ۱. روند پژوهش و مراحل آن. ماخذ: نگارندگان.

جدول ۱. ساختار محتوایی پژوهش<sup>۱</sup>، مأخذ: نگارندگان.

ساختار پژوهش	دیدگاه و رویکرد
شالوده نظری	- مفروضات اصلی مبانی اعتقادی، اخلاقی و احکامی/ حکمت نظری و عملی اسلامی. برپایه منابع خطاناپذیر کلام الهی، سیره معصومین، علمای دین و داده‌های آن از طریق استنباط عقل فردی و اجتماعی خبرگان (عقل جمعی و تاریخی)
هدف پژوهش	- هم بنیادی (توسعه دانش و مبانی) و هم کاربردی (توسعه راهکارها و راه حل‌ها) - روش پیاده‌سازی نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی در قالب مدل نظری، مفهومی و فرایند فکری سازنده شهراسلامی با ارائه الگوی کاربردی از آن در سطح عملیاتی است.
ضرورت پژوهش	- <b>مثله:</b> گسست فرهنگی و نفوذ مؤلفه‌های غیر بومی به پیکره فرهنگی جوامع تأثیر منفی گسترده‌ای در روابط اجتماعی و آثار انسانی از جمله نظام شهرسازی اسلامی نهاده است. به گونه‌ای که منجر به مخدوش شدن الگوی شهراسلامی - ایرانی متناسب با نیازهای انسان، اهداف زندگی و بنیان‌های زندگی (یعنی خانواده و حیات سعادت‌مندان و طیبه) انسان گردیده است. - <b>اهمیت:</b> ارائه الگوی نظری و عملیاتی از شهراسلامی - ایرانی متناسب با مهندسی فرهنگی اهداف انقلاب اسلامی (جاری کردن فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه و اداره زندگی بر اساس اصول اصیل از جمله: قرآن، شریعت، سنت و فقه اسلامی) در آثار انسانی.
موضوع و رویکرد پژوهش	- حوزه‌های مبانی نظری و مدل عملیاتی رویکرد (توصیفی، تحلیلی و کیفی) و روش پژوهش استدلال منطقی برپایه منابع کلام الهی و معصومین و استنباط عقلی است. - تمرکز بر تقویت راهبردهای فرهنگی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی با تبیین مدل فکری و عملیاتی از نظام مدیریت فرهنگی در فرایند طراحی شهری به عنوان بخش اصلی و اساسی از سبک زندگی و فرهنگ اسلامی به جهت پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی انسان است.
فرضیه پژوهش	- مخدوش بودن الگوی شهراسلامی - ایرانی به ورود مؤلفه‌های غیر بومی و گسست فرهنگی جامعه باز می‌گردد. ارائه مفهوم دقیق و تدوین مدل نظری و عملیاتی معین و مدون در سطح راهبردی از فرآیند طراحی شهراسلامی در چارچوب مهندسی فرهنگی و روش پیوست فرهنگی مورد توجه مقام معظم رهبری (شیوه سازمان دهنده شهراسلامی) می‌تواند الگویی مناسب در طراحی شهری ارائه دهد. ابزار دستیابی به این روش از طریق هویت سیستمی راهبرد زیست - فرهنگی با مجموعه‌نگری فرهنگی فراهم می‌گردد.
مدل ساختاری تدوین و نگارش کتاب	روش ماهی و حلزونی: گرچه روش کلی نگارش منطقی - خطی یا ماهی است و مباحث و یافته‌ها با یکدیگر تفاوت دارد و فهم هر مبحث مستلزم درک بخش قبلی است و برای درک موضوع تدوین شده می‌بایست کل آن را مطالعه کرد ولی در هر بخش از روش حلزونی استفاده گردیده است، در این روش از پوسته تا مغز و از مقدمه تا نتیجه قابل درک و فهم است.
دستاوردها و نتایج	- ارائه مدلی مفهومی و نظری مدون و معین از مبانی ساختار ساز شهراسلامی برپایه ارکان سازنده و هویت سیستمی آن (بنیادی). - ارائه مدلی مفهومی در سطح نظری و عملیاتی از شهراسلامی - ایرانی به عنوان مبانی مدون و معین از نظام شکل دهنده آن در سطح راهبردی (حوزه فرهنگی و عملی آثار انسانی) (بنیادی). - دستیابی به سطوح راهبردی و عملیاتی فرآیند طراحی شهراسلامی - ایرانی در چارچوب مهندسی فرهنگی و روش پیوست فرهنگی نظام اسلامی (کاربردی و نوآورانه).

### ۱-۳ - پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به اینکه تاکنون مدلی از روش پیاده‌سازی نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی در چارچوب مهندسی فرهنگی با روش پیوست فرهنگی در حوزه‌ی طراحی شهری ارائه نگردیده است. شاید در موارد و مصادیق خاص تنها به آسیب‌شناسی وضع موجود و توجه به کارکردهای آن در مدیریت شهری پرداخته شده باشد. در این کتاب سعی شده با توجه به جایگاه موضوع، ابتدا به گونه‌ای شفاف مشخص نماییم که نظام مدیریت فرهنگی نظام اسلامی و مباحثی چون مهندسی فرهنگی و پیوست فرهنگی چگونه در فرایند طراحی شهری در سطح نظری مطرح می‌گردند در این مسیر علاوه بر ارائه‌ی مدل نظری و رهنمودهای آن، مدلی عملیاتی از ساختار شهر اسلامی - ایرانی بر پایه‌ی شبکه‌ی گسترده‌ی فرهنگی - اجتماعی ارائه می‌گردد. امید است در تحقیقات بعدی بتوان با شناخت جایگاه آن قدم‌هایی کاربردی‌تر و اجرایی‌تر برداشت.

→  
۱- ر.ک. عبدالحمید نقره‌کار و محمدعلی زنجیر کرمانی. ۱۳۹۲. روش پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو بینش اسلامی، مجموعه مقالات مشترک در حکمت هنر و معماری اسلامی. صص: ۱۱-۳۴.



## فصل دوم

### مروری بر ادبیات موضوع

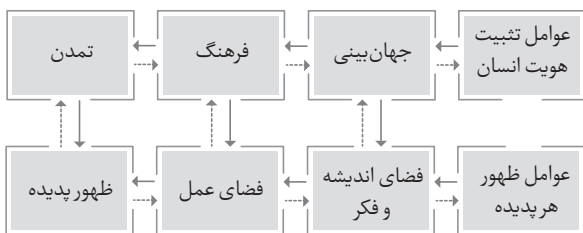
#### ۲-۱- فرآیند ظهور پدیده‌های انسانی

در نخستین مرحله از انجام هر پژوهش، ارائه تعریفی از مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته، امری ضروری است. برای روشن شدن اصطلاحات و اصول به کار رفته در حوزه شهرسازی اسلامی لازم است مفاهیمی نظیر اسلام و مبانی و اصول آن، سیمای انسان از منظر اسلام، شهر اسلامی، مفهوم شهر ربانی، ارکان شهر اسلامی و رابطه ساحت‌ها و نیازهای انسان با شهر ربانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اجتماعی و کالبدی متأثر از آن، مورد بررسی و دقت قرار گیرد. بر این اساس روشن می‌شود که دقیقاً در این کتاب مراد از شهر اسلامی چه شهری است؟ اوصاف و مؤلفه‌های شهر از نظر اسلام چیست و بر اساس چه اصولی بنیان می‌شود؟

همه‌ی انسان‌ها در فضایی می‌اندیشند که ویژگی‌های

این فضا را اصول و مبانی جهان بینی شان تعریف می‌کنند. فضای اندیشه‌ی هر انسان را جهان بینی او می‌نامیم. پس از مرحله‌ی اندیشه، مرحله‌ی عمل است، که عمل (یا اعمال) نیز که بر اساس جهان بینی ظهور و بروز پیدا می‌کنند، در فضایی و بر اساس ارزش‌ها و معیارها و هنجارهایی رخ می‌نمایند که آن فضا را «فرهنگ» می‌نامیم. به بیان دیگر، فضایی که همه‌ی فعالیت‌ها و اعمال انسان‌ها، با اتکا به فضای اندیشه یا جهان‌بینیشان در آن فضا رخ می‌دهند، «فضای فرهنگی» است. طبیعی است که یک جهان بینی واحد، در جوامع و مکان‌ها و زمان‌های مختلف، ظهور فرهنگ‌های متفاوتی را سبب خواهد شد و بالاخره، پس از اندیشه و عمل، آثاری پدید می‌آیند، که مجموعه این آثار را تمدن می‌نامیم تمدنی که منتسب به آن جهان بینی و فرهنگ است (نقی زاده، ۱۳۹۲: ۳۱).

پس مهم‌ترین عوامل برای ایجاد ثبات و پایداری در هویت انسان و به ویژه برای تثبیت و پایداری هویت «انسانی» و هویت جمعی او، جهان بینی، فرهنگ و تمدن است. بر این اساس می‌توان مراحل فرایند ظهور هر پدیده‌ای توسط انسان را در سه مرحله‌ی اصلی مطرح کرد: اول، مرحله «اندیشه و فکر»؛ دوم، مرحله «عمل» و مرحله‌ی سوم ظهور «پدیده‌ی مورد نظر» است (نقی زاده، ۱۳۹۲: ۳۱).



نمودار ۲. عوامل ظهور هر پدیده انسانی بر مبنای عوامل تثبیت ساز هویت انسان. مأخذ: نگارندگان.

هم چنین بر مبنای تعاریف حکمت از بعد ارکان اندیشه می توان فضای اندیشه و فکر را همان حکمت نظری، فضای عمل را همان حکمت عملی و ظهور پدیده را همان حکمت حقیقی دانست زیرا از نظر ما حکمت مقدمات علمی و عملی و روحی برای نیل انسان به هدف والای خویش است. به طور کلی می توان اعمال و آثار انسان را منتهی به یک نتیجه و هدف دانست. بسته به این که ظهور پدیده بر چه معیار و اندیشه ای بنیان نهاده شده باشد اثر او به هدفی مثبت یا منفی می انجامد.

هدف مثبت، بحران مثبت و هدف منفی، بحران منفی را پدید خواهد آورد. بحران همان خروج از تعادل است که در مقابل هویت قرار می گیرد. بحران هویت مثبت که حاصل هدف مثبت است منجر به هدایت جامعه و انسان و بحران هویت منفی که حاصل هدف منفی است منجر به هدایت انسان و جامعه به قصد استثمار انسان از طریف گمراه کردن وی می گردد.

بنابراین اصلی ترین منابعی که برای هویت انسان می توان شناخت، از قلمروهای سه گانه مربوط به خلق اثر توسط او استخراج می گردد. این قلمروها چنانچه گذشت «قلمرو اندیشه»، «قلمرو عمل و رفتار»، «قلمرو آثار وی» می باشند. که آن ها را به ترتیب «جهان بینی» و «فرهنگ» و «تمدن» می خوانیم. خدشه به هر یک از عوامل یا تردید در مبانی هر کدام، می تواند موجب ظهور بحران هویت گردد. طبیعی است، بحران هایی که در مراتب ما دون رخ می دهند، در صورتی که توسط اصول مراتب عالی تر اصلاح شوند، انسان (و هویت او) به سمت کمال و تقویت و پایداری میل می کند. اما خدشه به مراتب عالی و فکری انسان، هویت او را متزلزل خواهد کرد. برای نمونه، اگر مثلاً تفکر توحیدی عامل خدشه

به هویت تاریخی (یا سنن پدران مشرک) جامعه‌ای شود، مطمئناً در جهت تثبیت و تقویت هویت انسانی عمل خواهد کرد. اما برعکس، تمرکز بر آن دسته از رسوم اجدادی که در تقابل با تفکر توحیدی باشند، هویت انسان و معنوی جامعه را متزلزل خواهد کرد (نقی زاده، ۱۳۹۲: ۳۲).

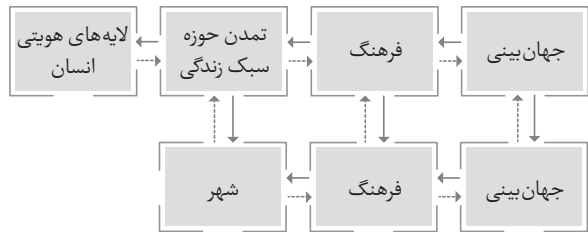
علاوه بر آن، اهم عوامل بروز از رشد از خودبیبگانگی چون، خودفریبی، غفلت از یاد خدا، احساس حقارت، خودباختگی، غفلت از وحدت حیات، بی‌بند باری، استعمار، کبر، خودستایی، عجب و بقیه صفات و ویژگی‌های غیرانسانی که ریشه در فردگرایی و بحران معنوی انسان معاصر که منجر به غفلت از یاد خدا، خویش و هدف زندگی گردیده است از اصلی‌ترین عوامل و از زمینه‌سازان بروز بحران هویت هستند که هر جامعه‌ای باید خود را از آن‌ها مصون دارد.

شهریکی از حوزه‌های انسانی است که با هویت انسان در ارتباط است. هویت انسانی، ماهیتی سه لایه دارد. لایه‌ی اولیه را باورها، اعتقادات یا جهان‌بینی، و ارزش‌ها یا فرهنگ لایه‌ی میانی هویت انسانی به شمار می‌روند و حوزه تمدنی یا سبک زندگی لایه‌ی رویین و بیرونی هویت انسان را تشکیل می‌دهد. سبک زندگی یا حوزه تمدنی همان جلوه‌ی رفتار و عمل متأثر از ارزش‌ها و باورهاست که بنابر گفته رهبری انقلاب حوزه‌هایی چون مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبانی، مسئله کسب و کار و... را در برمی‌گیرد. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۷)

شهر از مهم‌ترین حوزه‌های تاثیرگذار بر سبک زندگی است. شهرآیین‌های زندگی انسان است. تصور ما از جهان، از انسان، از زندگی در شهر نشان داده می‌شود. هر چقدر این تصورات بهتر و درست‌تر، انسانی‌تر و بیش‌تر و دوست طبیعت باشد و



رفاه و سعادت انسان‌ها را بیش‌تر در نظر بگیرد آن طراحی (معماری) هم که این نوع سعادت در آن تحقق پیدا می‌کند ظرف مطلوبی است. زیرا پاسخ‌گو به زندگی مطلوب است. (حجت، ۱۳۹۰: ۲۰۵). پس شهر با ریشه‌ها، جهان‌بینی و فرهنگ انسانی در ارتباط است. از یک جنبه خود بیان‌گر هویت و از جنبه دیگر از راه‌های انتقال ارزش‌هاست. از یک جنبه نمایش‌سخت‌افزایی پیش‌رفت جامعه و از جنبه دیگر اثرگذار بر جنبه نرم‌افزایی جامعه‌ی اسلامی است. که اگر از جهان‌بینی و نظام ارزشی جامعه نشأت گرفته باشد. مهم‌ترین نمایش‌دهنده و تعریف‌کننده سبک زندگی خواهد بود و از آن جا که در حیطه رفتار خودی و اجتماعی قرار دارد همان کیفیت زندگی مطلوب و ایده آل مورد نظر ما است.



نمودار ۳. جایگاه شهر در ماهیت سه لایه هویت انسانی. مأخذ: نگارندگان.

از نظر تفکر اسلامی هر کدام از حوزه‌های جهان‌بینی، فرهنگ و تمدنی خود صاحب تعاریف و ویژگی‌هایی است که می‌تواند مباحث را گسترده‌تر، فراگیرتر و کامل‌تر سازد. به همین منظور نیاز به تشریح هر سه حوزه وجود دارد.

## ۲-۱-۱- حوزه جهان‌بینی

اکثر ما از تاثیر ادراک و شناخت پدیده‌ها- تصویر ذهنی ما از جهان - بر روی فعالیت‌هایمان به عنوان معمار، ناآگاه هستیم. ما کار خود را انجام می‌دهیم، تلاش می‌کنیم که ساختمان‌هایی خوب بسازیم. به هر شیوه‌ای که «خوب» را

معنی کنیم، این مسئولیت بسیار سنگین است. ما برای آن تلاش می‌کنیم اما آگاه نیستیم که تلاش ما تحت تاثیر نگاه ما به اجسام و تصویری که از دنیای اطراف داریم می‌باشد. شاید خیلی از ما حتی از این موضوع که ما اصلاً دارای جهان بینی ویژه‌ای هستیم، بی‌خبریم. (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۱). جهان بینی یعنی تفسیر کلی انسان درباره جهان هستی و انسان (قرائتی، ۱۳۵۹: ۱۲). نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً «جهان بینی» نامیده می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۰: ۷).

جهان بینی زیربنای یک مکتب فکری است. در این زیربنا که جهان بینی آدم بر آن مبتنی است، فلسفه زندگی، معنی انسان، هدف زندگی، مسئولیت و رسالت فرد، مسئولیت و رسالت جامعه و نوع بشر و مکتب علمی که بر اساس آن مکتب، من زندگی فردی و اجتماعی را تنظیم می‌کنم، همه این‌ها مبتنی می‌شود بر جهان بینی. مجموعه‌ای این‌ها مکتب مرا می‌سازد، بنابراین مکتب نظامی است با زیربنایی به نام جهان بینی. بر اساس این جهان بینی یک فلسفه‌ی تاریخ، یک انسان‌شناسی (فلسفه انسان) داریم که بر اساس این‌ها ایدئولوژی<sup>۱</sup> انسان مبتنی است. ایدئولوژی عبارتست از اخلاق، فلسفه زندگی، رسالت و مسئولیت فردی و اجتماعی. بنابراین مجموعه این دستگاه مکتب اعتقادی را می‌رساند (شریعتی، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

به طور کلی افکار و عقایدی که ما داریم به دو دسته «نظری» و «عملی» قابل تقسیم‌اند. - «اندیشه‌ها و افکار نظری» مستقیماً ناظر به واقعیت هستی می‌باشند و محتوای آن‌ها، تعیین نوع و رفتار و اعمال بشر نیست. ۲- «اندیشه‌ها و افکار عملی» که مستقیماً ناظر به رفتار انسان می‌باشند و محتوای آن‌ها از نوع امروز نهد می‌باشد. (غرویان و دیگران، ۱۳۸۸: ۹)

حکما حکمت را تقسیم می‌کنند به حکمت عملی و حکمت نظری. «حکمت نظری» دریافت هستی است آن چنان که هست و «حکمت عملی» دریافت خط مشی زندگی است. آن چنان که باید. (مطهری، ۱۳۹۰: ۷) حال اگر جهان بینی را «یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ درباره‌ی جهان و انسان، و به طور کل درباره هستی، و ایدئولوژی را «یک سلسله آراء کلی هماهنگ درباره رفتارهای انسان» بدانیم. (مصباح، ۱۳۹۲: ۱۲).

ایدئولوژی<sup>۱</sup> از نوع «حکمت عملی» و جهان بینی از نوع «حکمت نظری» است. پس ایدئولوژی برپایه‌ی جهان بینی استوار است (مطهری، ۱۳۹۲: ۹۷). ایدئولوژی و جهان بینی به یکدیگر مربوط و هر دوی آن‌ها در زندگی انسان ضرورت دارند. زیرا جهان بینی و ایدئولوژی پایه‌های یک مکتب فکری را می‌سازند. اگر در شکل‌گیری شهر معتقد به یک مبنای فکری، فضای اندیشه و حوزه جهان بینی هستیم باید به تاثیر جهان بینی و ایدئولوژی‌ها پرداخته شود.

در میان انسان‌ها انواعی از جهان بینی، وجود داشته و دارد، ولی همگی آن‌ها را می‌توان بر اساس پذیرفتن آنکه جهان را موجودی هدفدار و باشعور بدانیم و یا آن‌که آن را بی‌هدف و بی‌حساب فرض کنیم می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: جهان بینی الهی و جهان بینی مادی. (قرائتی، ۱۳۵۹: ۱۲).

از نظر جهان بینی توحیدی اسلام، جهان یک آفریده است و با عنایت و مشیت الهی نگهداری می‌شود، جهان به باطل و بازی و عبث آفریده نشده است، هدف‌های حکیمانه در خلقت جهان و انسان در کار است، نظام موجود، نظام احسن و اکمل است. جهان به عدل و به حق برپاست. نظام عالم بر اساس اسباب و مسببات برقرار شده است و هر نتیجه‌ای را از مقدمه و سبب مخصوص خودش باید جستجو

۱- ایدئولوژی / Ideology

کرد. قضا و قدر الهی بر همه ی جهان حاکم است و انسان به حکم قضا و قدر، آزادی و مختار و مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش است. اراده و مشیت الهی به صورت «سنت» یعنی به صورت قانون و اصل کلی، در جهان جریان دارد. سنت های الهی تغییر نمی کند و آنچه تغییر می کند بر اساس سنت های الهی است. تدریج و تکامل، قانون الهی و سنت الهی است. جهان گاهواره ی تکامل انسان است. انسان دارای شرافت و کرامت ذاتی و شایسته ی خلافت الهی است. دنیا مزرعه آخرت و رابطه آن دو به یکدیگر پیوسته است (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۹ و ۲۰).

به اعتقاد ما انسان طبعاً نمی بایست گرایش مادی پیدا کند، مادی گرایی یک جریان مخالف طبیعت و فطرت انسان است. قرآن کریم پدیده های مادی را به عنوان آیات الهی یاد می کند. البته این مطلب را باید توجه داشت که مقصود این نیست که چون گرایش توحیدی یک گرایش فطری و طبیعی است، نمی تواند در سطح تعقلات علمی و فلسفی مطرح گردد. (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۶ و ۴۷). زیرا دایره کاربرد «جهان بینی» وسیع تر از عقاید دینی است. شامل عقاید الحادی و ماده گراییانه نیز می شود، چنانکه واژه ایدئولوژی نیز اختصاص به احکام دینی ندارد (مصباح، ۱۳۹۲: ۱۳).

این مهم در مبانی شکل گیری شهر نیز تاثیر دارد اگر مبانی سازنده شهر را در مکتب توحیدی اسلام مطرح می کنیم منظور ما تن ها پرداختن به جهان بینی توحیدی و ابعاد آن نیست. زیرا در تعریف ما از شهر، شهر متشکل از اجزاء و عوامل مرتبگی است که هدف دار است و دارای مبنا یا علتی برای تحقق آن هدف می باشد. این اجزاء به صورت سامان دار در راه رسیدن به هدف در تمامی ابعاد و ویژگی هایشان از یک مبنا ناشی و هدایت می گردند. در واقع نقش و کارائی که ما آن

را هدف شهرمی نامیم معلول علت تامه‌ای است که آن علت، علت ترکیب اجزا و عناصر شهر است، علتی که می‌توان آن را فلسفه هم‌نشین اجزاء یا مبنا نامید. مبنا سه پهنه معرفتی بشر را تشکیل می‌دهد که شامل دین (گرایش‌ها)، فلسفه (بینش‌ها)، علم (دانش‌ها) است این سه متغیر، در حقیقت جوهره‌ای را می‌سازند که اعتباراً آن را جهان بینی می‌نامیم. (ذوالفقار زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۳) زیرا جهان بینی یا جهان‌شناسی، به عبارت دیگر تعبیر و تفسیر انسان از جهان، چون نوعی شناخت<sup>۱</sup> است، (پیشوائی، ۱۳۷۵: ۵۶۰) به طور کلی سه گونه است یعنی از سه منبع ممکن است الهام شود: علم، فلسفه، دین. پس جهان بینی سه گونه است: علمی، فلسفی، مذهبی (مطهری، ۱۳۹۰: ۹). این سه جهان بینی در طول هم قرار دارند نه در عرض هم و آنچه جهان بینی دینی، فلسفی و علمی را از هم جدا کرده و قلمرو آن‌ها را معین می‌کند موضوع، روش و مقصد آن‌هاست. (ذوالفقار زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

### الف: جهان بینی دینی یا مذهبی

جهان بینی توحیدی یعنی درک این که جهان ماهیت «از اویی» (اِنَّا لِلّٰهِ) و «به سوی اویی» (اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ)<sup>۲</sup> دارد، جهان از یک مشیّت حکیمانه با یک سلسله نظامات قطعی که «سنن الهیّه» ناده می‌شود اداره می‌شود؛ انسان در میان موجودات از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار است و وظیفه و رسالتی خاص دارد، مسئول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه‌ی خویش است، جهان مدرسه‌ی انسان است و خداوند به هر انسانی بر طبق نیت و کوشش صحیح و درستش پاداش می‌دهد. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۷).

در جهان بینی توحیدی، میان انسان و خدا دو گونه ارتباط برقرار است. یک رابطه‌ی تکوینی، که توجیه‌کننده‌ی مسئله‌ی آفرینش جهان و انسان و به عبارتی جهان بینی

۱- ایدئولوژی / Ideology

۲- تقسیم‌بندی جهان بینی بر اساس توانایی شناخت انسان یا ابزار معرفت‌شناسی (شناخت مبتنی به مراتب وجود) اوست. حواس یا ادراکات، عقل و قلب

است. (در این رابطه عنایت الهی نسبت به هر موجودی در حد استعداد ذاتی او می باشد و حکومت قوانین طبیعی به عالم همان پیوند وجودی واجب الوجود یا تمام موجودات می باشد). و دیگری رابطه‌ی تشریحی که توجیه کننده‌ی روابط اخلاقی، سیاسی، حقوقی، عاطفی و کلامی و به عبارتی ایدئولوژی است و عنایت ادیان با این بخش بیش تر است. در این رابطه است که مسئله اصول دین مطرح شده و واسطه‌ی خلق و خالق به صورت پیامبر تجلی می‌کند (پیشوائی، ۱۳۵۷: ۶۲۰).

بنابراین منظور از جهان بینی توحیدی همان جهان بینی دینی است که مسائل از طریق وحی الهی، بیان می‌گردد و دین اصطلاحاً به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید می باشد. هر دینی دست کم از دو بخش، تشکیل می‌گردد:

۱) عقیده یا عقایدی که حکم پایه و اساس و ریشه‌ی آن را دارد.

۲) دستورات عملی که متناسب با آن پایه یا پایه‌های عقیدتی و بخراسته از آن‌ها باشد و «حکمت» نیز، مشتمل بر نظری و عملی است. بنابراین، کاملاً به جاست که بخش عقاید در هر دینی «اصول» جهان بینی و بخش احکام عملی «فروع»- ایدئولوژی<sup>۱</sup> آن دین نامیده شود. (مصباح، ۱۳۹۲: ۱۲). اگر «جهان بینی» پایه و ریشه ایدئولوژی است و اصول دین پایه و ریشه دین آن‌گاه جهان بینی اسلامی همان اصول و پایه دین اسلام است و دین چیزی جز ایدئولوژی اسلامی نخواهد بود (سید قطب، ۱۳۸۸: ۲۵).

بنابراین اصول مبانی اندیشه‌ای مسلمانان شامل دو بخش

۱- سوره بقره / آیه ی ۱۵۶. الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
همان کسانی که چون مصیبتی سخت به آنان می رسد می گویند ما مملوک خداییم و یقیناً به سوی او بازمی گردیم. (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۴)